



## امیرکبیر

**کلیدواژه:** [امیرکبیر](#)، [روحانیت](#).  
**پرسش:** در ایران مردانی مثل امیرکبیر [صدارت](#) داشتند. معروف است که او با روحانیت مخالف بود، آیا صحت دارد؟  
**پاسخ:** میرزا تقی‌خان امیرکبیر یکی از [رجال](#) بزرگ [تاریخ](#) ایران در عصر [قاجار](#) است. او مردی لایق و باکفایت و [مدیر](#) و مدبر بود.

### فهرست مندرجات

- ۱ - سال و محل تولد
- ۲ - شغل پدر امیرکبیر
- ۳ - امیر تحت تعلیم پدر
- ۴ - امیر از مستوفیان مجدخان
- ۵ - سفیر ایران در معاهده ارنزه
- ۶ - رسیدن به مقام صدارت
- ۷ - شهادت امیرکبیر
- ۸ - دیانت امیرکبیر
  - ۸.۱ - غیرت دینی امیرکبیر
  - ۸.۲ - نظم بخشیدن به اوضاع کشور
  - ۸.۳ - خدمات دینی امیرکبیر
  - ۸.۴ - تعهد امیرکبیر
  - ۸.۵ - بنای مساجد و مدارس
  - ۸.۶ - جلوگیری از اهانت به قرآن
  - ۸.۷ - منع مشروبات الکلی
- ۹ - ادله ضد روحانی بودن امیرکبیر
  - ۹.۱ - قدغن نمودن بست‌نشینی
  - ۹.۲ - برخورد با برخی از شیخ‌الاسلام‌ها و امام جمعه‌ها
    - ۹.۲.۱ - دیدگاه مورخان از عملکرد امیرکبیر
    - ۹.۳ - اصلاح امور تعزیه
    - ۹.۴ - واگذاری امور قضاوت به علما
      - ۹.۴.۱ - تحلیل یکی از نویسندگان از برخورد اصلاحی امیر
  - ۱۰ - منابعی برای مطالعه بیشتر
  - ۱۱ - جمله‌ای از حضرت علی (ع) در فرمان مالک‌اشتر
  - ۱۲ - بانویس
  - ۱۳ - منبع

### سال و محل تولد

میرزا تقی‌خان، در حدود سال‌های ۱۲۱۰ تا ۱۲۱۴ ه.ق در روستای هزاره از قراء فراهان از توابع اراک متولد شد.

### شغل پدر امیرکبیر

پدرش آشپز قائم مقام فراهانی سیدالوزراء بود.

### امیر تحت تعلیم پدر

امیر در کنار [خانواده](#) این مرد بزرگ و لایق در [سیاست](#) و تدبیر بزرگ شده و از او تعلیم دیده بود.

### امیر از مستوفیان مجدخان

او تحت نظر معلمان مشغول فراگرفتن علوم مختلف شد تا اینکه در [جوانی](#) مردی لایق و قوی‌اراده شد و در خدمت دستگاه مجدخان زنگنه در آذربایجان درآمد و جزو مستوفیان شد.

## سفیر ایران در معاهده ارزنه

حسن سابقه امیر او را در چشم همه بزرگ کرد تا اینکه عباس میرزا او را برای مأموریتی به روس فرستاد (سال ۱۲۴۴ ه.ق) و بعد از آن نیز چون کاردانی او ثابت شده بود، سفیر ایران در [معاهده ارزنه روم](#) شد.

## رسیدن به مقام صدارت

بعد از آن ترقیات چشمگیری داشت تا به مقام [وزارت](#) و صدراعظمی دربار در عصر ناصری رسید.

## شهادت امیرکبیر

به علت حسادت و سعایت بدخواهان در [فین کاشان](#) به سال ۱۲۶۸ ق، شب شنبه ۱۸ ربیع‌الاول به [شهادت](#) رسید. [۱](#) حسین مکی، زندگی میرزا تقی‌خان امیرکبیر، چاپ سوم، تهران، علمی، ۱۳۳۳ ش، ص ۴۶، ۵۴ و ۳۷۶. [۲](#) اکبر هاشمی، امیرکبیر، چاپ اول، قم، مؤسسه انتشاراتی فراهانی، تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۳ - ۲۸ و ص ۴۴۲.

## دیانت امیرکبیر

### ← غیرت دینی امیرکبیر

براساس گزارشات مختلف امیرکبیر مردی مذهبی و متدین بوده و از [غیرت دینی](#) کم‌نظیری برخوردار بوده است، همین دین‌داری و [غیرت](#) او بود که او را وادار به اصلاحات بسیار مؤثر در پیشرفت کشور و امور مذهبی می‌نمود. او به‌سختی با بدعتگران مبارزه و با تمام قوت آنها را سرکوب می‌نمود؛ لذا [دشمنان](#) سرسختی داشت که علیه او توطئه‌چینی می‌کردند. و این‌گونه [شایعات](#) را علیه او [تبلیغ](#) می‌نمودند. [۱](#) اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، قم جامعه مدرسین، ۷۳، ص ۱۱۹.

### ← نظم بخشیدن به اوضاع کشور

او در دوران صدارت کوتاه‌مدت با تدابیری که در برنامه‌ریزی کشور اعمال کرد، اوضاع [کشور](#) را منظم و امور را برقرار و به چرخه‌های پیشرفت سوار نمود که امروزه آثار برخی از [اقدامات](#) مهم برای ما محسوس است.

### ← خدمات دینی امیرکبیر

خدمات دینی که امیرکبیر برای [تشیع](#) و [مذهب](#) انجام داده است، بسیار برجسته و مهم است و می‌توان گفت، اصولی‌ترین و زنده‌ترین ارزش تشیع را از گرفتاری به خرافات، تحریف و فراموشی نجات داد. این عملکرد بسیار شایسته [امیرکبیر](#)، برخورد مناسب و ریشه‌افکن با مدعیان [مهدویت](#) و بابیت بود که سال‌ها تشیع را از انواع موهومات نجات بخشید. [۱](#) اسماعیل راعین، انشعاب بهائیت، مؤسسه تحقیقی راتین، ۱۳۵۷ ش، ص ۱۲۸ و ۱۷۰.

### ← تعبد امیرکبیر

در حالات امیرکبیر آمده است که وی کاملاً متعبد بود و در ایام [محرم زیارت عاشورا](#) را با آداب خاصه به‌جای می‌آورد؛ درحالی‌که در میان صدراعظم‌های ایران در عصر [قاجار](#) مردی نظیر او دیده نشده است.

### ← بناک مساجد و مدارس

او مساجد دینی و مدارس علمی از جمله [مدرسه دینی](#) شیخ عبدالحسین در [بازار](#) تهران و ساختمان [امامزاده](#) زید تهران را بنا نمود.

## ← جلوگیری از اهانت به قرآن

او دستور حکومتی صادر کرد که طی آن چاپخانه‌ها موظف بودند که آیات قرآنی را روی کاغذهای [باطل](#) چاپ نکرده، و از [اهانت](#) به قرآن جلوگیری نمایند.

## ← منع مشروبات الکلی

امیرکبیر [مشروبات الکلی](#) را ممنوع کرد. بنابراین در دیانت و مذهبی بودن امیرکبیر هرگز نمی‌توان تردید نمود، چون شواهد تاریخی زیادی وجود دارد که در اینجا نمونه کوچکی عرضه شد.

[۵] اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، قم جامعه مدرسین، ۷۳، ص ۱۲۶.  
[۶] محمود حکیمی، داستان‌هایی از زندگی امیرکبیر تهران، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ص ۱۲ - ۲۲.

## ادله ضد روحانی بودن امیرکبیر

اما عللی که او را ضد [روحانی](#) قلمداد کردند و بر روی آن مانور داده و از آن سودجویی نموده‌اند، از این قرار است:

### ← ۱. قدغن نمودن بست‌نشینی

عمده عاملی بود که از امیرکبیر چهره ضد روحانی ساخته‌اند. امیرکبیر با درایتی که داشت متوجه شد که عده‌ای با ارتکاب انواع جرایم متوسل به بست‌نشینی در امامزاده‌ها و بیوت مجتهدین و روحانیون و شیخ‌الاسلام‌ها و... می‌شوند (البته این رسم بیشتر در اروپا مرسوم بود). این عمل نه تنها به سود [روحانیت](#) نبود، بلکه دامن آنها را آلوده می‌نمود؛ چون [اسلام](#) هرگز از این عمل حمایت نمی‌کند که قاتلی در پناه دین از قصاص و اجرای حد فرار کند و در آن پناه جوید؛ بلکه [احکام](#) اسلام هرگز قابل اغماض نیست و اجرای حدود و فرار از قصاص یک نوع [ظلم](#) در [حق](#) اولیای دم است که در اسلام امری بسیار ناپسند و [حرام](#) است. بنابراین امیرکبیر با این اقدام به اسلام و روحانیت خدمت نموده و بدعتی را از آن زدود. هیچ‌یک از [علما](#) ی عصر امیرکبیر بر این عمل امیرکبیر اعتراض نکردند تا آن را بتوان ضدیت با روحانیت قلمداد کرد.  
[۷] اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، قم جامعه مدرسین، ۷۳، ص ۷ و ۱۲۶.

### ← ۲. برخورد با برخی از شیخ‌الاسلام‌ها و امام جمعه‌ها

برخورد امیرکبیر با برخی از شیخ‌الاسلام‌ها و امام جمعه‌ها

[۸] فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، چاپ هفتم، تهران خوارزمی، ۶۳، ص ۴۲۹ و ۴۳۰.

[۹] به نقل از تاریخ و جغرافیای تبریز، ص ۲۴۵ - ۲۴۶.

[۱۰] به نقل انگلیس، ۶۰، ص ۱۵۳، شیل پالمرستون ۱۶ سپتامبر ۱۸۵۰.

- به‌ویژه با [امام جمعه](#) تهران و تبریز و برخی از سودجویان - در لباس روحانیت نیز یکی از بهانه‌هایی بود که از آن به‌عنوان مخالفت با روحانیت علیه امیرکبیر یاد شده است؛ البته با دقت در عملکرد امام جمعه تهران و شیخ‌الاسلام [تبریز](#) و اغتشاشاتی که آنها در امور ایجاد می‌کردند، بهترین برخوردی بود که امیر توانست با محدود نمودن آنها جلوی سودجویی‌ها و دخالت‌هایشان را بگیرد. این جریان نیز توسط برخی از گزارشگران [تاریخ](#) به‌عنوان ضدیت با روحانیت قلمداد شده، درحالی‌که هرگز چنین نیست؛ بلکه کاملاً قانونی و به صلاح روحانیت و برای حفظ حیثیت و جایگاه روحانیت بود و چون پیامدهایی که از این امور علیه [دین](#) و روحانیت وارد می‌شد، به مراتب زیان‌بارتر از فواید آن بود که در تاریخ نمونه‌هایی گزارش شده است.

[۱۱] تاریخ و جغرافیای تبریز، ص ۲۶۰.

### ← دیدگاه مورخان از عملکرد امیرکبیر

بعضی از مورخان این اعمال امیر را محدود کننده قدرت روحانیت تلقی کرده و مطالبی آورده‌اند که قابل قبول نیست؛ چون به [اجماع مورخان](#) در زمان امیر، قدرت [روحانیون](#) به‌قدری وسیع و کاری بود که می‌توانستند مانع اجرای این امور شوند و اصولاً امیر شخصیتی نبود که در برابر علما موضع منفی یا علیه آنها جبهه‌گیری کند، اگرچه امیر آرزوی [اصلاح](#) امور روحانیت را در دل داشت؛ مثلاً یک فرد در لباس روحانی اقدام به دو [شهادت](#) در یک محکمه هم به نفع مدعی و هم به نفع متهم نموده و رشوه گرفته بود که به محض اطلاع او را خلع لباس کرد؛ این عمل امیر در واقع خدمتی بزرگ به روحانیت بوده است که چنین فردی را از میان آنها بیرون نموده و دامنشان را از تهمت‌ها پاک کرده است.  
[۱۲] اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، قم جامعه مدرسین، ۷۳، ص ۱۲۳.

### ← ۳. اصلاح امور تعزیه

همچنین او قصد اصلاح امور [تعزیه](#) را داشت؛ چنان‌که به یک [شاعر](#) دستور داد اشعاری معتبر سرایید و در عزاداری‌ها مورد استفاده واقع شود تا انحرافات و خرافات از [جامعه](#) درباره اهل‌بیت - علیهم‌السلام - برچیده شود.

### ← ۴. واگذاری امور قضاوت به علما

درباره **قضاوت** نیز او را مورد **تهمت** قرار می‌دادند و براساس شایعات او را چهره ضد روحانی معرفی کردند؛ اما او شدیداً پایبند به حقوق اسلام بود و حقوق اسلامی را کامل و وافی و مترقی‌تر از **حقوق** غربی می‌دانست؛ لذا امور قضاوت را به **علما** و مجتهدین بزرگ که اهلیت داشتند، سپرده بود و مقید بود کمترین خلافی صورت نگیرد؛ چنان‌که نقل شده وقتی نوکر امیرکبیر را نزد شیخ عبدالرحیم **بروجردی قاضی** محکمه بردند، شیخ پس از احراز **جرم** به امیرکبیر نوشت او مجرم است، شما به **مصلحت** خود با او برخورد کنید، امیر از این جریان **عصائی** شد؛ چراکه **تعیض** را تحمل نمی‌نمود و دوست داشت حکم اسلام در حق هرکس که مجرم بود، انجام پذیرد؛ لذا شیخ بروجردی را از این مقام **عزل** و شیخ عبدالحسین تهرانی را به‌جای او منصوب نمود.

۱۲۱ اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، قم جامعه مدرسین، ۷۳، ص ۱۲۲.

#### ← تحلیل یکی از نویسندگان از برخورد اصلاحی امیر

یکی از نویسندگان، امیرکبیر را نه **دشمن دین** و نه بدخواه روحانیت می‌داند و معتقد است که او از **قدرت** و نفوذ روحانیت کاسته است؛ اما در حقیقت این تحلیلی است که او از زندگی و **اصلاحات امیرکبیر** نموده است. برخورد اصلاحی امیر با میرزا ابوالقاسم **امام جمعه** تهران و شیخ الاسلام تبریز که در تبریز اطرافیان او آشوب و سوء استفاده از **مقدسات** نموده بودند که امیر نظام همه آنها را دستگیر و با آنها برخورد و تأدیبشان کرد.

۱۲۱ فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، چ هفتم، تهران، خوارزمی، ۶۲، ص ۴۲۳، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۲۵، ۴۳۰ و ۴۲۹.

#### منابعی برای مطالعه بیشتر

کتاب امیرکبیر، آقای هاشمی رفسنجانی.

#### جمله‌ای از حضرت علی (ع) در فرمان مالک‌اشتر

«انما يستدل على الصالحين بما يجرى الله لهم على السن عباده...»؛ افراد **صالح** و پاک و زمامداران لایق و شایسته را باید از آنچه **زبان** و افکار دیگران و مخصوصاً **افکار عمومی** درباره آنها قضاوت می‌نمایند، شناخت.

#### پانویس

۱. حسین مکی، زندگی میرزا تقی‌خان امیرکبیر، چاپ سوم، تهران، علمی، ۱۳۳۳ ش، ص ۴۶، ۵۴ و ۳۷۶.
۲. اکبر هاشمی، امیرکبیر. چاپ اول، قم، مؤسسه انتشاراتی فراهانی، تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۳ - ۲۸ و ص ۴۴۲.
۳. اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، قم جامعه مدرسین، ۷۳، ص ۱۱۹.
۴. اسماعیل راعین، انشعاب بهائیت، مؤسسه تحقیقی راثین. ۱۳۵۷ ش، ص ۱۲۸ و ۱۷۰.
۵. اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، قم جامعه مدرسین، ۷۳، ص ۱۲۶.
۶. محمود حکیمی، داستان‌هایی از زندگی امیرکبیر تهران، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ص ۱۲ - ۳۲.
۷. اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، قم جامعه مدرسین، ۷۳، ص ۷ و ۱۲۶.
۸. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، چاپ هفتم، تهران خوارزمی، ۶۳، ص ۴۲۹ و ۴۳۰.
۹. به نقل از تاریخ و جغرافیای تبریز، ص ۲۴۵ - ۲۴۶.
۱۰. به نقل انگلیس، ۶۰، ص ۱۵۳، شیل پالمرستون ۱۶ سپتامبر ۱۸۵۰.
۱۱. تاریخ و جغرافیای تبریز، ص ۲۶۰.
۱۲. اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، قم جامعه مدرسین، ۷۳، ص ۱۲۳.
۱۳. اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، قم جامعه مدرسین، ۷۳، ص ۱۲۲.
۱۴. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، چ هفتم، تهران، خوارزمی، ۶۲، ص ۴۲۳، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۲۵، ۴۳۰ و ۴۲۹.

#### منبع

[سایت اندیشه قم](#)

رده‌های این صفحه : [تاریخ ایران](#) | [روحانیت](#) | [قاجاریه](#)